

چگونه مردم را خانه دار کنیم؟!



داشته باشد. این وسط کلی اشتغال زایی هم می شد و دو سه نفر رانت خور هم می توانستند این وسط نانی سر سفره زن و بچه شان ببرند. فقط یک مشکل کوچک بود و اینکه شاید این طوری کارخانه های سیمان بعد از مدتی زیان ده می شدند که چندان مهم نیست و فدای سرمان. بالاخره خانه دار کردن مردم مهم تر است یا تعطیلی چندتا کارخانه؟! البته متأسفانه الان به بنده خبر رسید که قیمت سیمان حدود نیم درصد (یعنی کمتر از یک درصد!) قیمت تمام شده مسکن است و سیمان مجانی هم بشود، تفاوتی در قیمت مسکن اتفاق نمی افتد. از آنجا که نظریه های این کارشناسان مطرح در نهایت به نتیجه ای نرسید، این بار کارشناسان پلخمون احساس وظیفه کردند و برای معضل مسکن جلسه ای ترتیب دادند و بعد از خوردن کلی موز، به این نتیجه رسیدند حالا که نمی شود مردم را خانه دار کرد، بهتر است فرهنگ سازی کنیم و از خوبی های مستأجر بودن بگوییم. به همین منظور، پیشنهاد دادند هرچه زودتر سریال خوش نشین های ۲، ۳ و... را بسازیم و از طرف دیگر فرت و فرت در شبکه های مختلف زیر نویس برویم و از صاحب خانه ها بخواهیم جان مادرشان کرایه ها را هر سال خیلی بالا نبرند.

بسیاری از کارشناسان مطرح که همگی دیپلم خود را از مدارس معتبر دریافت کرده اند، هنوز نتوانسته اند کشف کنند چطور با آنکه هر سال بیست سی درصد حقوق کارگران و کارمندان را بالا می بریم باز هم قدرت خرید مردم به خرید منزل نمی رسد. برخی کارشناسان هم ابتدا معتقد بودند باید به مردم وام بدهیم تا بتوانند خانه بخرند اما باز هم هرچه تلاش کردند نتوانستند درک کنند چرا برخی بانک ها دوست دارند به کارمندان و مدیرانشان وام کم بهره از نوع تپش بدهند اما وقتی پای خریداران مسکن به میان می آید دبه درمی آورند. در نهایت، وقتی کارشناسان دیدند نمی شود مردم را میانه دار کرد که خانه بخرند نمی توان به آن ها وام درست و حسابی داد، بعد از ساعت ها جلسه، پیشنهادی مطرح کردند که جهانیان را متحیر کرد. آن ها گفتند بهتر است قیمت تمام شده مسکن را پایین بیاوریم و به این منظور پیشنهاد دادند قیمت سیمان را دستوری کنیم و آن را ارزان تر از کارخانه بخریم و منزل بسازیم. این پیشنهاد خردمندان یک فایده مهم داشت که احتمالا باعث می شد قیمت سیمان از درب کارخانه تا وقتی دست مصرف کننده می رسد کلی تفاوت

قحطی معلم

امروز پونزدهم مهره و طبق معمول، شروع مهرماه و آغاز سال تحصیلی بدون هماهنگی با مسئولین بوده و هنوز خیلی از مدرسه ها معلم ندارند. برعکس، تادلتون بخواد توهر کلاس دانش آموز ریخته، جوری که دیگه باز به اون تعداد صندلی نداریم. مثلاً بالای چهل تا یا حتی شنیده شده بعضی جاها به پنجاه تا هم رسیده و گفته شده یک سری از دانش آموزها با خودشون زیرانداز و فلاسک ببرن تا حداقل بتونن روی زمین بشینن. البته اینو شوخی کردم، ولی خب ببرین واقعا. کجا می خواین بشینن وقتی جا نیست؟

جوری شده که زنگ تفریح رو که می زنن، تا بخوان همه دانش آموزا برن بیرون، تو ترافیک بچه ها گیر می کنن و دوباره باید برگردن چون زنگ تفریح تموم شده. اصلاً اوضاعیه ها. همون بهتر که معلم ندارند. خود دانش آموزا جانی شن، باز خود معلم هم هست. اصلاً جا هم بشن، دیگه فضایی برای تهویه نیست. اصلاً تهویه هم بماند. شما فکر کن، اینا دیگه رسماً امتحاناشون تقلبه. یعنی نیازی نیست تقلب کنی، برگه کناریت از برگه خودت به خودت نزدیک تره. بخوای نگاه نکنی نمی تونی. بعد زمان ما تا فاصله اجتماعی رعایت نمی شد اصلاً امتحان برگزار نمی شد که. واقعا این نسل جدید از همه لحاظ شانس آوردن. هم معلم ندارند، هم تعدادشون برای کنسل کردن امتحان بیشتره، هم تقلب اجباری دارن، هم اصلاً اینا و این همه خوشبختی محاله، محاله!



صفحه ۲
۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۸۲

دیدار تیم های الهلال و نساجی در تهران



ترجمه: می خواهم از نزدیک ببینم نیمار

بین، مطمئنم اینی که نوشتی حرف زشت نیست؟! اینام عین الاتحاد افاده ای اند! باز همینو بهونه نکنن، برن از ورزشگاه؟

نه داداش، خیالت نباشه! بی تربیتی نیس، رواله!

دیدار خلف خلف اف، نماینده آذربایجان، با وزیر امور خارجه



خلف خلف اف جان! تکلیف هات تموم شد بیا جناب وزیر منتظرن، نبینم بدخط نوشته باشی ها! ما شالا!...

نمی کنن به چاشت بدن دست آدم، دو قورت و نیمشونم باقیه! کلافه شدم این قدر مشق نوشتنم، پونصد نفرم نگهبانی می دن، نمی شه جا بزنی!

دیدار تیم های الهلال و نساجی در تهران



یامن بودی گفتی، تو؟ حرف دهنت رو بفهم! قهر می کنم می داریم می ریم ها!

نه گلم، نه عشقم، نه نفسم! اگه کسی کمتر از شما، بهتون بگه، خودم دهنت قلقل می ریزم!

درحاشیه دیدار وزیر ارتباطات و خبرنگاران پس از جلسه هیئت دولت



آقای وزیر، ما در سرعت اینترنت از میان ۱۸۰ کشور، صد و چهل و ششم هستیم و حتی تانزانیا و سیرالئون از ما سریع ترند.

نیمه پر لیوان رو ببینیم، هم اکنون سرعت نمون از بوتسوانا پیشی گرفته دوست عزیز!